

## باقحطی مصنوعی مبارزه کنیم

ملت ایران

دولت و مستشاران امریکائی آن، توطئه جدیدی را طیما طرح ریزی کرده اند. این طرح بطوری که بین خودشان گفته شده، طرح گاوای است

که باید ابتدا گاوای را بخرند و سپس از پاد رآورد ل این گاوای مدی گاوای که هیچگاه قدرت لایزا مردم را شناختند میخواهند با محدود کردن شرائط اولیه زندگی، مردم را ابتدا ناراحتوخته کرده و سپس با شکاف در وحدت ملی و اداریه تسلیم و قبول راه حل های مزورانه خود کنند. دولت ضمن حفظ شرائط اختناق و کشتار بترتیب با اقدامات زیر دست خواهد زد:

۱ - جلوی رسیدن سوخت را بمرده بگیرد هم اکنون با وجود اعتصابات وسیع کارگران و کارکنان مبارز صنایع نفت، صرف نظر از ذخایر مواد تصفیه شده نفتی نفت خام نیز باندازه مصرف داخلی (حدود ۶۰۰ هزار بشکه در روز) نمیتواند برسد. دولت با عدم توزیع مواد نفتی بخصوص در شروع زمستان میخواهد مردم را ناراحت کرده گناه آنرا نیز بگردن رهبران اعتصاب و بخصوص رهبران مذهبی بپردازد.

۲ - به بهانه نبودن بنزین از دادن سرویسهای شهری خودداری میکند از هم اکنون نیز اعلام کرده که ماشینهای حمل زیاده در تهران بسبب نداشتن بنزین نمیتوانند بکار خود ادامه دهند، نبودن بنزین برای - ماشینهای حمل زیاده و رآته نزدیک اتوبوسهای شهری و تاکسی دروغ حضرات مصرف بنزین برای فقط استارت یک تانک که تعداد زیادی از آنها در سراسر تمام شهرها مشغول مانورند بیش از ۸۰ لیتر است.

۳ - به بهانه نبودن گاز و نفت گاز تعدادی نانوائی و قسمتی از کارخانجات مولد برق و تصفیه خانه های آب بسته میشود. بقیامده صفحه ۲

## قصاص، اما به دست قانون

بخاطر حفظ و بقای حیات در موجودات فرایزی وجود دارد که جزء خلقت است، کسی که مورد حمله قرار بگیرد، اولین عکس العملش دفاع از خودش است و این دفاع تنها ناظر بر دفع حمله دشمن نیست بلکه ممکن است به نابودی او منتهی شود، بنابراین هر موجودی حق دارد از زندگی خود در برابر هجوم موجود دیگر دفاع کند. ولایتی که این دفاع حریف را از پای درآورد، اما این گونه حق دفاع به مفهوم بسیط خاص حیوانات است انسان دفاع از خود و مجازات ناشی از حمله به خود را به قانون می سپارد، زیرا اگر قانون حکومت نکند جامعه بصورت جنگل وحوش درمی آید که هر موجودی به نسبت قدرت و امکانات خود قانون خاص خود را دارد.

در ۲۵ سال گذشته جامعه ما با قانون جنگل اداره میشد، در همه شعب و شاخه های زندگی ام از اجتماعی و سیاسی و اقتصادی حاکمیت با قانون جنگل بود، یعنی طبقه حاکمه با تکیه بر قدرت ساواک و شهریاری ژاندارمری و سرانجام ارتش بر سرنوشته مردم حکومت میکرد، مال هر کسی را که میخواستند میخوردند، مرتع و زمین هر کسی را که می پسندیدند ضبط میکردند، هر قدر پول میخواستند اسم وام و اعتبار از منابع دولتی میگرفتند، با هر شرکتی که میل داشتند قرارداد می بستند، هرگونه سلاحی که پورسانت از فروش و قیمتش بیشتر بود، از بیگانگان می خریدند، درآمدی را بپرط و بهانه ای که بدستشان میرسید توقیف میکردند و او را بزرگشکنجه میبردند و سپردند اادگای فرمایشی نظامی بهر مدت حبس که میخواستند محکوم زندانی میکردند.

این قانون جنگل بود، مامورین شکنجه فارغ از هر قانونی بآبدن توقیف شده بینواتفریح میکردند روی صورتش آتش سیگار خاموش میکردند، ناخنهایش را میکشیدند، از پای به سقف آویزان میکردند و شلاق میزدند، سرش را در کلاه های ساخت امریکا بیرق متصل میکردند و یکسره او را در جهنم واقعی قرار میدادند، بدنش را بر روی سینی های سوزان میسوزاندند و در همین حال به خوردن چایی و ساندویچ و صحبت با هم مشغول بودند، و در همین لحظات بود که در تصور و کاخهای باشکوه ریاری و وابستگان آن ضیافتها و سورچرانیهها و رقص و ترنمها برپا بود.

این قانون جنگل بود که مدت ۲۵ سال بر جامعه ما حکومت میکرد و این قانون جنگل بود که اکنون مردم را در مطش انتقام از اینهمه بیعدالتی و ظلم و فساد میسوزاند. این قانون جنگل بود، خواندن یک کتاب نتیجهش توقیف و شکنجه و زندان بود، اعتراض به توقیف نتیجه اش کتک بود و اعتراض به مدت محکومیت نتیجه اش افزایش مدت محکومیت زندان بود. اما، در برابر قانون جنگل نباید قانون جنگل را جانشین کرد.

جامعه ما بهر حال و در هر روز احتیاج بیک حسابرسی اجتماعی دارد و کسانی که بر جان و مال حقوق مردم تجاوز کردند و پای خود را از قلمرو قانون فراتر گذاشتند باید از جامعه برای همیشه طرد شوند و حساب اعمال خود را پس بدهند، اما اینکار باید بدست قانون انجام پذیرد و بقیامده صفحه ۲

## تأمین سوخت داخلی

از خوزستان خبر آمد که بین سندی کارکنان - صنعت نفت و آقای مهندس سبازرگان در باره استخراج و پالایش نفت در حد روزانه نهمصد هزار بشکه توافق بعمل آمد است. مشکل باقیمانده آنکه چگونه میتوان جایگاههای پخش را از دستبرد نظامیان بعد از آغاز حکومت نظامی نجات داد، طرفین مذاکره پس از یافتن راه حلی برای این مشکل بطوریکه بتوان مواد نفتی تولید شده را به دست مردم مصرفکننده رساند، برای تولید مصرف داخلی شروع بکار خواهند کرد و بحران سوخت خاتمه خواهد یافت. اما آنچه قابل توجه است اینکه پس از بسته شدن شیرهای نفت ایران، دولت نژاد پرست افریقای جنوبی اعلام کرد که برای مدت چهار سال ذخیره نفتی دارد. در برابر آن رژیم ایران که روی بستری از نفت به حیاط انگلی خود ادامه میداد تمام درآمد این ذخایر عظیم را چنان بیاد داد و چنان حاضر نشد حتی یک لحظه بفکر مردم ایران یعنی صاحبان اصلی باشد، که با اعتصاب کارگران و کارکنان صنعت نفت که در مقابل توطئه های امپریالیستی انجام شده است، درآمدی کمتر از ده روز مردم ما دچار کمبود سوخت شدند.

تعزیه گردانان عدل پزیر که بقیامت بیاد دادن شروت ملی ما خیال میکردند ارتش را یکی از سه

تهران - کارمندان اعتصابی سازمان زمین از ادارات مستقل وزارت مسکن، درصدد تدارک فهرست زمین خواران بزرگ سا لیان اخیرند. که امید است در تنظیم آن لیست دقت، وسواس و امانت را هر چه بیشتر رعایت کنند. این گونه افشاگری ها اگر نافذ صفات مذکور نباشد یا اگر به اختصار بزرگوار شود، جز بدنام کردن گروهی هم نام، این زیان را نیز خواهند داشت که تخم ناپاوری را در دل های مردم تشنه خیر بکارند. گذشته از آنکه دشمن ها به یقین دست به تحریکاتی در جهت لوٹ مبارزات مردم خواهد زد.

سبزواری - تظاهرات مردم مبارز سبزواری توسط قوای انتظامی رژیم جلااد به خون کشیده - می شود که گروهی کشته به جامی گذارد. هفت تن از شهدا شناسایی شده اند.

## اخبار

اصفهان - روز چهارشنبه ۶ د ۵۷ راه - بیمایی عظیمی با شرکت چهارصد هزار نفر از مسجد جامع انجام می گیرد که تا مقصد مسجد طاهری با شکوه تمام ادامه می یابد چون رضا ناظم فرماندار قصاب در شهرس نبوده است، تصاهرات بدون دخالت - ماموران وبدون تصادفات بی پایان می رسند روز پنجشنبه نیمساعت به شروع منع عبور و مرور یک تانکر بنزین به ظرفیت ۱۰۰۰۰ لیتر در پمپ دروازه دولت تخلیه می شود تا صرف جمعه هشتم را تأمین کند. اما حکومت نظامی شبانه تمام پمپ را تخلیه و حمل کرده است. همچنین حکومت نظامی ساعت ۵ / ۵ صبح جمعه، از تخلیه یک تانکر نفت سعید در همان پمپ جلوگیری بعمل می آورد.

آزادی مطبوعات . . . بقیه

روزنامه منتشر میشد، امروز صد ها روزنامه معتبر جهان نظام استبدادی و کستار حکومت را تقبیح می کنند و مردم آنها را میخوانند و برای هم بازگو میکنند . راد یوهای خارجی از انگلستان و فرانسه و شوروی و آلمان نیز از منابع مهم خبری شده است. آری آینه ها شکستی نیست و رسوائی و فساد چندان است که نمی توان پوشیده داشت .

بدین ترتیب، آنچه برای دولت از این عهد شکستی بجای ماند، بی اعتباری و بد قولی بودنا و اسیان بیشتر گشتند و هزارها نویسنده و کارمند و کارگر و روزنامه فروش با همفیزی خود در برابر دولت صف کشیدند . دولت در نظر جهانیان حقیر شد که نمی تواند وجود چند روزنامه را تحمل کند و به اختناق مردم ادامه میدهد . ولی، در برابر هیچ سودی به حکومت نرسید و سیل خروشان نهضت ادامه یافت .

چهره دیگر رسوائی در این است که نخست وزیر از بلندگوهای دولتی داد سخن میدهد که حکومت او قانونی است و هرچه میکند بر طبق قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه است، در حالیکه با شکستن قلم ها اصل بیستم متمم قانون اساسی را نقض میکند بسیاری از مردم تنهادر کتابها خوانده بودند که نظام های فاسد از درون میسوسند و خود را بی اعتبار میسازند، ولی امروز به عیان نیز می بینند که حکومت کنونی تنها کشتارهای بیرحمانه و دادن شکجه های قرون وسطائی از نظر اخلاقی و سیاسی بی اعتبار گشته، بلکه با تجاوز به اصول و میانی قانون اساسی مشروعیت خود را از دست داد و مستوه همچو ضیل میان تپه میفرود، میسازد و چنین می پندارد که به استاد قانون حکومت نظامی ۱۲۱۰ شمسی و تسویب مجالر فرمایشی کنونی برای کارناشایسته خود عذری موجه دارد، در حالیکه هر دانشجوی تازه وارد حقوق نیز میداند که قوانین عادی در برابر قانون اساسی اعتبار نایب و تبعی دارد و نمی تواند حقوق و آزادیهای فردی را کدر قانون غالب تر مقدر کند و مستعد و سازد یا از بین ببرد . پس با چنین دستاویزی سست نمی توان ذمه خویش را از زیر بار گناهان نابخشودنی میرا ساخت .

از اینها گذشته، رشته پیوند انسان ها و رابطه دولت و مردم را تنها قانون منظم نمی کند انسانیت

و لاتراز آن است که در تار و پود مواد خشد و بیروح قوانین محسور بماند . در ورای قوانین اصلی عالی و محترمی وجود دارد که جوهر تمدن و مظهر اخلاق است . این اصول اخلاقی معیار ارزش ها و سبائی - داوری در باره نیک و بد رفتارهاست و خود نیز دادگدا و دادرسی جداگانه دارد . باید از اینان هر سید هیچ اند پسید ماینکه در پیشگاه این دادگامه دفاعی برای نوجبه شکنجهها و نامردی ها و کشتارها دارید آیا در فرمانبری یا قانون حکومت نظامی شمار تریزه میکند و وجدان عمومی مردم ایران و جهانیان را قانع میسازد که حق با شما بود ما ست؟ با این آینه صاف که هیچگاه مکدر و رتی بر آن نمی نشیند و به درستی و قاطع داوری میکند چه میکنید ؟

ساید ابلهان و کوته نظران نیرمی شکنند ماین اصول اخلاقی را به ریختند گیرند . ولی آنان که از تاریخ سیاسی و اندیشه های حاکم بر آن آگاهند، به قدرت بیچون و چرای آن ایمان دارند و میدانند که ظلم پایدار نمی ماند . روزی که ریچارد نیکسون از اختیار ریاست جمهوری امریکا استفاده کرد و فرمان داد که در فاصله رسیدگی ابتدائی و پژوهشی سروان کالی ( متهم کشتار مردم بی دفاع هکده مادی در ویتنام ) را از زندان آزاد کنند، دادستان دادگامای ابتدائی در مجله نیوزویک خطاب به او نوشت که، آقای رئیس جمهور، بر فرض که شما چنین اختیاری بر طبق قوانین داشته باشید، پاسخ اخلاق و افکار عمومی جهانیان را چه میدهید ؟ در آن روز پرسش دادستان بنظر جماعتی مسخرمی آمد، چرا که رئیس جمهور دولت امریکا در جنگ ویتنام تکیه بر ارتش داشت و پیش از هر چیز جلب رضایت نیروهای مسلح مهم جلو میبرد . لیکن، تاریخ نشان داد که تکیه بر زور و قدرت وسی اعنائی به اصول اخلاقی مردمی چه نتایجی بیاری آورد و چگونه حق بر باطل غلبه می یابد . این گوشه ای از آینه تاریخ است که در باره یکی از رفتارهای ناهنجار حکومت کنونی یعنی تعطیل و نامها و محدود ساختن آزادی بیان، در معرض داوری قرار گرفت و عاقلان از این محل چند بیت مفصل در باره شیوه های غیر انسانی رژیم ایران را برپوشنی میخوانند و بهمین قیاس می بینند که دیگر خد عو ریا و آدم کنی و پیمان شکنی و حربه هائی از این قبیل نمی تواند مانعی در راه نهضت ملی ایران بوجود آورد .

قصاص اما به دست قانون . . . بقیه

نباید هرگز بصورت اصال خشونت بار فردی و تسویه حسابهای خصوصی در آید . کسی که در ۱۵ سال گذشته در قارت و تجاوز و فساد طبقه حاکمه شرکت داشته باید بدادگاه مردم یعنی مرجع عالی ملی رسیدگی بکلیه جنایات این دوره سپرده شود، اما حریم زندگی او نباید از پوزش های فردی و انتقام کشی های خصوصی برکنار بماند .

ولی کسانی که حتی امروز هم در کشتار مردم و تفتیش مقاید مردم و جاسوسی و خیرچینی مردم شرکت میکنند اگر در مسیر آگاهی مردم قرار گیرند و گرفتار خشم آنان شوند گناه از خود آنهاست و باید بداند مردمی که مورد حمله و توهین قرار میگیرند نیازی به تحریک ندارند و کسانی که زندگی خود را وقف مبارزه با تجاوز و بیعدالتی و قلدری کردند مانند در برابر حمله و جاسوسیهایی خیرچین ها و ماموران مخفی هرگز به سلاح خود آنها یعنی پروند سازی و تحریک مردم به حمله و هجومه زندگی متجاوزین متوسل نمی شوند . زیرا در منطق ما با کشتن دشمن و دشمن خیرچین و مامور مخفی ساواک کار مملکت اصلاح نمیشود و یا ماخذی برای هیرت سایر خیرچین ها و جاسوسها و ماموران مخفی ایجاد نمیشود . . . اما بدبختانه به صداق کافر همه را بکش خود پندارد، اینگونه افراد که تعقل و تفکر انسانی را از دست دادند خیال میکنند که همه انسانها مثل خود آنها و همه کس العملها و عمل های آنها مثل اصال و کس العمل های آنهاست .

با قحطی مصنوعی . . . بقیه

۴ - سرور بهارستانها و مراکز رسانی به فاساد متوقف و با حداقل کاهش خواهد یافت . هموطنان گرچه تمام این وسائل احصانه نشانه ضعف و از هم پاشید دستگاه حکومت است ولی باید در نهایت هوشیار با آن روبرو شده و در مقابل آن واکنش های مناسب نشان داد .

ما پیشنهاد میکنم:

الف، در مقابل تمام ناملات احتمالی، روحیه وحدت ملی خود را کماکان حفظ کنید که این برزده ترین حربه، در برابر این وحشی زخم خورد همنوز مهاجم است .

ب- در مرحله های سکونت خود واحدهای خانوار بزرگ بوجود آورید این واحدها که متشکل از تعداد خانواد خواهد بود که در یک محل یا در یک ساختمان سکونت دارند کمک بسیار موثری در صرفمجوی مواد خوراکی، مواد گرم کننده و روشنائی خواهد بود . همچنین این واحدهای خانواد بزرگ میتواند در مواقع اضطراری کمکهای درمانی بسیار مفیدی برساند فی المثل اگر سوخت برای گرم کردن ده اطاق وجود ندارد دو اطاق را مشترکاً گرم کنید . اگر روشنائی برای ده خانه نیست همگی در یک چراغ یک شمع جمع شوند . این موضوع صرف نظر از پائین آوردن میزان نیاز موجب بالا رفتن روحیه مردم بخصوص کسانی خواهد شد که مستقیماً نقش فعال در این نهضت عمومی ندارند .

هموطنان، ما میدانیم که ایمان محکم شما به راهی که در رهش گرفته اید و مبارزه ای که آغاز کرد ماید خود سرچشمه ابتکارات و پدید آمدن راههای فراوان در این زمینه خواهد بود . این پیشنهاد را بمنوان یک طرح کلی بپذیرید و متناسب با شرایط خود طرح های ملی برای آن تهیه کنید .

تامین سوخت داخلی بقیه

قدرت جنگی بزرگ جهان در آورد ماید همنوز نه فهمید ماید که در صورت یک درگیری برون مرزی حتی با در رفتن یک ترفه در مراکز نفتی، چگونه می توانستد از مرزهای کشور دفاع کنید ؟

مشهد - شهر همدان در آغوش نظاهرات - یکپارچه روحانیان، پزشکان، فرهنگیان و کلیه طبقات و اقشار مردم است . تحریکات و حملات قوای انتظامی چه با جماع چه با چخماق با درایت مردم و روحانیان شهر و حضرت آیت الله شیرازی و مبارزان قهرمان و عدیدی چون طاهر آقا احمد زاده و دکتر خامنه ان و دیگر خدمتگزاران مردم، هر چه آرام تر حشی می گردد .

خبر رسیده حاکی است که تعداد فراریان ارتش به میان توده مردم، چنان گسترده است که غالب مردم سرهای خود را مثل سربازان تراشیده اند، تا فراریان شناسائی نگردند .

نیشابور یا در حالت قوای انتظامی، نظاهرات با شکر و آرام مردم و فرهنگیان شهر در نیستان انصاری به خون کشیده می شود و از جمله آقایان گل پویی و عسگریان به شدت محروم می شوند .

# افشای یک توطئه

پیام ملت ایران به آزاد یخواهان جهان

توطئه تازه برای خاموش کردن صدای انقلاب ایران

این تلگراف در روز دوازدهم دیماه به وسیله دکتر علی اصغر حاج سید جوادی به

مجامع بین المللی مخابره شده است

پس از ماهها کشتار و آتش سوزی بوسیله رژیم نظامی و حمله های وحشیانه مأمورین مسلح به بیچارگان و دانشکاهها و مدارس و ضرب و جرح استادان و دانشگاهیان و توقیف و شکنجه هزاران نفر از مردم - محترض بیگانه رژیم فاسد استبداد برای ادامه بقای قدرت خود در صدد اجرای توطئه تازه ای می باشد .

بقرار اطلاع گفته میشود که شاه با عدم توجه به حواستهای اساسی مردم و خود داری از تسلیم حق حاکمیت به ملت ایران ، در صدد اجرای طرحی نظیر توطئه نهم اسفند ۱۳۳۱ است .

فرماندهان ارتش پس از آلوده کردن دستا فرسان و سربازان ارتش به خون هزاران برادر و خواهر هم وطن خود برای اینکه از مجازات این قتل عامهای وحشیانه مصون بمانند و برای اینکه بعنوان همکار و همدست رژیم در ازای غارت مردم ایران به میز محاکمه کشید میشوند در دیند که به بهانه جلوگیری از رفتن شاه و یاپس از عزیمت او از ایران همه مخالفین و آزاد یخواهان ایران را بصورت ین کودتای نظامی به قتل برسانند . و در خیابانها سیل های خون براه انداخته و خانه زندگی مخالفین را برای خاموش کردن صدای انقلاب ایران و تحمیل وحشت و ترس بر مردم به آتش بکشند .

مردم ایران مخصوصا کارگران صنعت نفت و سایر کارگران صنایع دولتی و خصوصی باید مراقب بهوش باشند ، سربازان و افسران شریف و وطن دوست که با حفظ حیثیت و شرافت سربازی نسبت به حفظ استقلال وطن و مبارزه با استبداد و فساد تعهد و مسئولیت اخلاقی دارند باید بدانند که با اجرای این توطئه گذشته از برافروختن حمام خون و استیلا بر بریت و وحشیگری تازه بر مردم ایران فاتحه استقلال و طرح ما خوانده شده است .

مردم آزاد یخواه جهان باید بدانند اگر این توطئه به مرحله عمل در آید ، دستگاه حکومتی امریکا و ارتگران بین المللی بر آن صحنه گذاشته اند .

باید از هم اکنون صدای اعتراض خود را بر علیه این توطئه و اجرای آن بلند کنید ، همه انسانهای آزاد جهان در برابر ملت مظلوم و مستبدیده و مزار ایران متوجه این خیانتی است که اگر به مرحله اجراء آید نه تنها بیژان رژیم و همدستان بیگانه آنها بلکه همه مردم آزاد جهان بخاطر سکوت و خاموشی در برابر آن محکومند برادران و خواهران هموطن در این لحظات حساس همبستگی و اتحاد خود را حفظ کنید اگر ما را کشتند به مبارزه خود ادامه دهید و اگر صدای انقلاب -

ایران را خاموش کردند بهر وسیله در برابر استقرار نظام فاشیستی تازه مقاومت کنید . لوله های نفت را برهی بیگانه به ببندید . زندگی را برای جلادان داخلی و همدستان خارجی آنها تبدیل به جهنم کنید . دانشجویان مقیم خارج بهر وسیله ای که میتوانید از هم اکنون با بلند کردن صدای اعتراض و اجرای تظاهرات گسترده در سراسر جهان این توطئه را فاش کنید و از مردم دنیا بخواهید که با محکوم کردن این خیانت و فشار بر دولت های خود از اجرای این جنایت و قتل عام وحشیانه جلوگیری کنند .

مردم دنیا و ملت ایران باید بدانند که رژیم نظامی

شاه برخلاف ادعاهای ظاهر با هرگونه راه حل سیاسی و اعاده آرمس به مملکت و جلوگیری از کشتار و قتل عام مردم و آتش زدن زندگی بیگانه ها مخالف استبداد و بدست مخالف است ، در حالی که نخست وزیر احتمالی در راد یورژیم ۲۵ ساله را محکوم میکنند و نوبت مجازات جنایتکاران و حائنین به مملکت و متجاوزان به حقوق مردم را میدهد رژیم نظامی همچنان در قزوین و مشهد و شهرهای دیگر ایران مردم را قتل عام نمود و مستی زندگی آنها را با تیر میزند و حتی به بیمارستان ها و بیچارگان هم رحم نمیکنند و این نشانه آنست که رژیم شاه برای حفظ قدرت و ادامه آن به هر قیمت با استقرار هر راه حلی که به تعدیل خود سری و فساد و استبداد دستگاه حاکمه کنونی منتهی شود بشدت رژیم نظامی شاه حتی در کار کسانی که بخواهند بر خلاف مسیر افکار و شرایطی مهم قبول مسئولیت نمایند طنا با ادامه کشتار مردم و تشنج تر کردن محیط عصبی کنونی ایران اخلال میکند .

کسانی که با هرگونه راه حل مسالمت آمیز در جهت تعدیل بحران کنونی و آباد کردن کشور برای انجام انتخابات آزاد و تشکیل دولت قانونی و مراجعه به افکار عمومی مخالفت میکنند در درجه اول رژیم نظامی یعنی کسانی هستند که موجودیت خود را در ادامه نظام استبدادی ۲۵ سال گذشته میدانند و سهمین علت است که برای مردم هیچگونه راه حلی جز ادامه مبارزه باقی نگذاشته اند .

اکنون رژیم استبدادی ارتش را مثل شمشیر داموکلر بالای سر مردم و بصورت حفاظی برای دفاع از قدرت خود نگهداشته است . در حالیکه ارتش جزئی از مردم و قدرت دفاعی آن را برابری هجوم خارجی است ارتش نمیتواند و نباید سازمانی جدای از دولت و در برابر مردم و قدرتی مافوق حاکمیت ملت ایران باشد .

کسانی که از ارتش بعنوان وسیله ای برای سرکوبی مردم استفاده میکنند و بدست سربازان و افسران مردم ایران را میکشند خود نظیر سایر متجاوزین بحقوق مردم و عاملین ایجاد هرج و مرج و ناامنی در مملکت باید بشدت مورد تعقیب و مجازات قانونی قرار گیرند .

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

رژیم نظامی استبدادی ایران پس از ماهها کشتار و آتش سوزی و ویران کردن زندگی مردم همچنان با مقاومت دائم التزاید و سراسری مردم ایران رو به سرست .

این مقاومت بجای آنکه دستگاه حاکمه ایران را در برابر واقعات انکار ناپذیر کنونی ایران تسلیم کند دامنه کشتار و آتش سوزی و ویرانی را بدست رژیم در سراسر ایران گسترده تر کرده است .

فاجعه مشهد و قزوین تنها نمونه هایی از دهها حادثه است که فقط میتوان با یورشهای پراکنده جنگیز و مغول و آتلا طایفه کرد .

اجداد ما در این گونه فجایع در شهرهای ایران و بیرون به زندگی مردم و کشتار و متجمعی و حمله به بیمارستانها و آتش زدن خانه ها و مغازه ها و سدود کردن راه های سیاسی در جهت رسیدن مردم ایران به حق حاکمیت ملی هد فی ندارد .

عسرت کردن مردم و در تنگنا گذاشتن آنها از راه ایجاد مشکلات در راه توزیع مواد سوختنی در سرمای زمستان و کشتار مداوم مردم بیگناه و حطالت وحشیانه به زندگی مردم بصورت انتقام کشی از گله مردمی که در شهرهای ایران بضاسبات شغلی به کمک مردم می شتابند جزئی از این توطئه است

که هیچگونه هم آهنگی با ادعای رژیم شاه مبنی بر جست و جوی یک راه حل مطلوب سیاسی ندارد

ادامه کشتار و آتش سوزیها و بازداشتها و شکنجه ها بدست نیروهای مسلح رژیم چگونه میتواند مردم را به قبول راه حلی در جهت ادامه قدرت کنونی رژیم امید وار و قانع کند ؟

طت و همه گسترش ناراضی و تشدد بد مقاومت مردم فقط ادامه توطئه دستگاه حاکمه در استخوان پست کنونی بحران کشور است که بطور مستقیم معلول استبداد و فساد ۲۵ ساله میانشه و بنیولین بسا

افکای برجین بن بستی است که دستگاه حاکمه ظاهر ارامی برای خروج از آن جز دست زدن به کودتای خونین دیگر برای خود نمی بیند ، ما اعتقاد کامل داریم که این صحنه هولناک و خونین نیز مثل همه صحناتی که دستگاه حاکمه تا کنون بر مردم شجاع و مقاوم ایران زده است نتیجه ای جز

ادامه و رشکستگی اقتصادی و تشدید هرج و مرج اجتماعی و گسترده تر شدن نفیست طاوت مردم ایران نخواهد داشت .

اما دستگاه حاکمه هیچگاه ضایع آتی خود را قربانی مصالح مردم و حفظ تمامیت ملی ایران نمیکند

به این جهت است که جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر ضمن اعلام احتمال اجرای توطئه یک کودتای خونین مردم ایران و کلیه مجامع آزاد بخواه جهان و مدافعین حقوق انسانی هند آرد هد

تصمیم مردم ایران نسبت به احیاء حقوق قانونی و استقرار حق حاکمیت ملی خود برگشت ناپذیر است . و تلاش دستگاه حاکمه برای تحمیل قدرت غیر قانونی خود با زور گلوله و کشتار و -

کودتای نظامی بدون تردید غللی بر این تصمیم دارد نمی کند .

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

# جنبش

سخن روز

## تنگنای رژیم

رژیم برای فرار از تنگنای خود پدیده آورده کوشید تا بابهائی حکومت نظامی و تشکیل دلتی از نظامیان و کشتار بیشتر مردم بیگناه، مردم را بهراس افکند و بسکوت وادارد. تشبیهی صحت و بیپوده بود و ناشی از خودکامگی. چیرا در مقاومت مردم در هم شکست شد و بجائی نرسید. بناچار دویاره معصم شد دولت را به غیر نظامی سپرد، شاید مغری گشوده شود و راهی برای نجات رژیم پوسیده و فاسد فراهم آید. شاید ها نشر یافت و این وان را نامزد تشکیل دلت گردانید اولی که خود را سخت پای بند قانون جلوه میداد یا اورا از گذشته دور چنین میشناختند، زود دریافت که خواسته مردم دولت در جستجوی یافتن هدفی در نیراه نیست لاجرم از کوششی بیپوده باز ایستاد، اما رژیم هنوز چشم واقع بین ندارد و از در بستهی به در بسته دیگر میزند. این بار باید مخالفین را در هم ریخت شاید آیند فعه مخالفان دچار تشتت شوند، شاید بتوان از تفرقه وجدائی آنها سود جست و رژیم را از سرنوشت محتوم خود نجات داد.

اما از هم اکنون دورنمای این آخرین تشبیه به وضوح قابل مشاهده است زیرا هیچ حکومتی جز با تکیه بر اراده ملت و جز اجرای خواسته های قانونی مردم قادر به حکومت نیست و نمیتواند دوام یابد. در شرایط کنونی مردم در مقابل رژیم ایستاد ماندن بنا بر این دو قطب بیشتر موجود نیست. منطقی این است که حائلی در آن میانه به چشم نخورد.

بنابراین هر دلتی که مخلوق مجلسین کنونی باشد دست آویز رژیم خواهد گشت و بر مردم نمیتواند تکیه داشته باشد، لذا صاحب قدرتی نیست و دولت بدون قدرتی نیز در هیچ زمانی قادر به حکومت کردن نبود ماست.

XXXXXXXXXX

نقد و نظر حلیلی جنبش را در باره مسائل و مشکلات و تعارضاتی که دولت غیر نظامی متکی به رژیم موجود با آن روبروست، در دفتر بیست و یکم از سری دفتر های سیاسی جنبش به قلم دکتر علی اسفراحاج سید جوادی بخوانید.

● تهران - شهید جلال ابراهیمی لوله کش اول خیابان نصرت، از جمله شهدای روز پنجشنبه تهرانند که شناسایی شده است. تظاهرات این روز تهران به مقصد تشییع جنازه دکتر کامران نجات اللهی استاد - پلی تکنیک تهران، از بیمارستان پهلوی بوده است.

● تهران - از ششم دیماه، تانکهای نفت در جنوب شرقی تهران به ویژه خیابانهای - سیروس و خراسان و شهباز مشتعلما نفت مورد نیاز مردم را پخش کرده اند. کارگران نفت می گفته اند نفت های ارسالی سفارشی امام خمینی است.

# آزادی مطبوعات و گوشه ای از آئینه تاریخ

آینت دانی چرا فاض نیست

زانکه زنگار از رخسار نیست

حکومت نظامی از آغاز برقراری نیز با روزنامه مباحث خوش نداشت، گوشه بفریزه دریافت بود که هرچه آگاهی سیاسی مردم فزونی یابد از صراحت و کاسته میشود. چهره کربه خود را در آئینه تاریخ می دید و ناموضی آنرا با آرمانها احساس میکرد. نمیتوانست از خوشتر بگذرد. پس با میبایست آئینه را بشکند یا آنرا چنان مسخ کند که نمایانگری صادق نباشد و فاضی بکند.

نخست راه حل دوم را برگزید به اقتضای طبیعت به خشونت و تهدید دست زد و در حالیکه دولت دم از آشتی با مردم میزد، از سرهنگی خواست که در روزنامه کیهان قدرتمانی کند، نویسندگان را از ستیز محوشی بر حذر دارد و از آنان بخواهد که تنها به اذن او بنویسند و شیوه مرسوم زمان را ادامه دهند. ولی، این بار تهدید ها و خشونت ها کاری از پیش نبرد و آینه نیز نشان داد که بحکم طبیعت خورش باید نمودار حقیقت باشد و نمودار را پکسان کند. نویسندگان و کارمندان و کارگران از ضربه های جنبش ملی بخود آمده بودند و دیگر نمیخواستند وسیله ستمگری و مشاطه چهره های نامرد می شوند. قلمها را بر زمین نهادند و ملت عهد بستند که از این پس با مردم باشند و جز به حقیقت کلامی ننویسند. روزنامه نویسان دیگر نیز به آنان پیوستند و یکپارچه ایستادگی کردند تا دولت ناگزیر شد بهمانی را امضا کند و از میزبانی مطبوعات دست بردارد. سند این بهمان را رئیس دولت و وزیر اطلاعات و نمایندگان سند یکای نوشتند. امضا کردند از آنروز همه فهمیدند که چرا مطبوعات را رکن چهارم مشروطیت می نامند و در اعلامیه های حقوق بشر و قوانین اساسی تا این اندازه آزادی قلم و بیان اهمیت دهند.

طبیعی است که حکومت نظامی از این بازتاب ملی خشمگین بود و هر چه از تاریخ انقلاب گذشت به تجربه نیز دریافت که اگر پرده ها بالا رود مردم آن چه را که بر سرشان رفته است به درستی دریابند و از آنچه میگذرد آگاهی یابند چه خطری ایجاد می شود و چگونه با رکردن این آتشفشان نه دشوار که ناممکن میگردد. پس، ناچار بایستی راه حل دیگری می آزمود، آینه را می شکست و خود را آسوده می کرد.

کشتار دانشگامو آمدن دولت ارتشید از های رژیمه این تصمیم را فراهم آورد، زیرا دیگر نظامیانمانند در راه خود نمی دیدند و بارش میوه حکومت نیز اختلافی نبود. جنگ واقعی آغاز شد و باید پایگاههای امنیتی اشغال میشد. بدقت روزنامه ها ریختند، گروهی را زندانی کردند و دیگران هشدار دادند که باید کارگزار حکومت باشند، وگرنه روزنامهها را تعطیل میکنند. ولی، مغافل از این بودند که جامه چهره دیگری یافته است، و زنگار از رخ آئینه پاک گشته و حقیقت چنان نمایان است که با هیچ پردمای نمی توان آنرا پوشیده نگاه داشت. نویسندگان و کارگران دست از نگار کشیدند و حتی در رادیو و تلویزیون دولتی نیز که ماموران حکومت بودند و محافظهکار تر و آراسترس

می نمودند، کسی حاضر نشد به زورتن پدیده سر استبداد صحنه بگذارد. زیرا ملت بیدار شد و میداد و اینان نیز همراهِ دیگران، به این کار خورشور سالتی که در این جنبش صوری داشتند پی برد میبوند نویسندگان و کارگران نشان دادند که بر بهمان خود با ملت استوارند و بسان دولت مهد شکنی نمیتکنند در این گهرو دار، همه از خود می پرسیدند حکومتی که چنین ساد موی پروا میدهد و به قول و قرار خورش بی اعتناست، چگونه ملت انتظار دارد که به قانون اساسی یا میثاقی که نسلهای پیشین آن را پذیرفته اند وفادار ماندن و از اختیاری که در تعیین سرنوشت خود دارد استفاده نکند؟ نخست وزیر و وزیر اطلاعات بنام دولت تعهد کردند تا است که از میزبانی در روزنامهها جلوگیری کند، امضای این سند صلیبهای شخصی نیست که باز ستاند میشود این تعهد برای همه دولتها صرف نظر از اینکه چه کسی عهد مدار آن است، باید محترم بماند. هر چه گوناگوست که دولت بعدی از اجرای آن امتناع میکند؟ آیا دولت، مفهوم شخصیت حقوقی و بهمانی را که بنام آن بسته میشود نمی فهمد و بمعهد نامه های بین المللی نیز میا همین دید نظر میکند؟ و آیا چنین دولتی بدست خورش خود را بی اعتبار نمی سازد؟

از نظر مصلحت گرائی نیز دولت از این اقدام سودی نبرد و تنها نشان داد که سازمانی بی اعتبار است و به گفته هایش نمی توان اعتماد کرد. زیرا با تعطیل روزنامهها و اشغال رادیو و تلویزیون تنها آئینه ای را که در دست داشت شکست. چهره کربه هنوز رخ مینمود و رسوائی بالا گرفته بود. مردم در خیابان ها و بیمارستانها و دبیرستانها و ادارها آترواروشن تر میدیدند و آنچه را که گذشته میخواندند نویشتیدند احساس میکردند و آشکارا به تماشای نشسته و از نفرت و خشم بر خود میلرزیدند.

این آئینه ها دیگر شکستی نیستند چرا که بتاریخ تعلق دارد و چاره ای باقی نماند ماست جز اینکه چهره کربه بکناری رود و در خود ببیند و عت پپردازد. مردم امروز از همیشه آگاه ترند. اگر در گذشته چند صد خبرنگار حرفهای به کار خبررسانی و تنظیم روزنامه می پرداختند، اکنون میلیون ها خبر نگار تازه نفر داریم که بکار خود عشق می ورزند و آن را وظیفه ملی و میهنی میدانند. مردم با تلفن و بیاتیه و شبنامه و سخنرانی و تظاهر خیابانی به آگاه کردن یکدیگر می پردازند و همین که در گوشه ای از شهر حاد نهی رخ میدهد همه بغاصله چند دقیقه از آن باخبر میشوند، دا و طلبانی از جمعیت های گوناگون، مانند طرفداران حقوق بشر و حقوقدانان و حمایت از زندانیان سیاسی، و دانشگامان بیچاره گوشه کشور میروند و حقایق را بی پرده متر صادقانه تر از خبرنگاران حرفه ای بگوش مردم میرسانند.

وضع جهان و پیوستگیهای بین المللی نیز بهمان آگاهی کمک میکند. هم اکنون تهران پایگاه برای خبرنگاران خارجی از هر قوم و ملیت شد ماست. روزنامه های فرانسوی و انگلیسی و امریکائی و آلمانی به بحث و تحلیل وقایع ایران می پردازند. اگر آن روز چند مقاله ای در نگوش از دولت در یکی دو